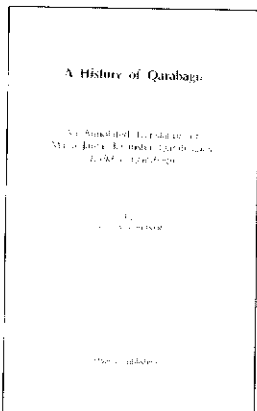


تاریخ قره‌باغ

و ترجمه انگلیسی آن

○ حسین احمدی

دانشجوی دکتری تاریخ واحد علوم و تحقیقات



کتاب میرزا جمال

به وسیله

جرج بورتوتیان

به انگلیسی ترجمه و

در سال ۱۹۹۴ از

سوی انتشارات مزدا

در ایالات متحده

انتشار یافت.

بورتوتیان در ایران

متولد شد و در

مطالعات ایرانی و

ارمنی از

دانشگاه UCLA

ایالات متحده

درجه دکتری گرفت

قره‌باغ جایگاه ویژه‌ای در میان این منابع دارد.* کتاب تاریخ قره‌باغ به وسیله میرزا جمال جوانشیر قره‌باغی با خط تقریباً ریز نستعلیق در شصت و دو صفحه به زبان فارسی نوشته شده است. میرزاجمال در سال ۱۱۸۷ ق / ۱۷۷۳ م. در روستای خوجالو در ناحیه دیزاک در جوانشیر متولد شد. وی پسر محمدخان بیگ و نوه سیلف بیگ ضیاباشی و نتیجه شریف‌بیگ جوانشیر بود.

بعد از این که پناه‌خان جارچی - بعد از قتل نادر با احداث قلعه شوشی در سرزمینی وارن‌دا در کنار رود کوروش - اولین پایه‌های خان‌نشین قره‌باغ را بنیان نهاد، پدر میرزاجمال به عنوان یکی از فرماندهان به آن قلعه منتقل شد.

میرزاجمال زبان‌های فارسی و ترکی را به خوبی و زبان‌های عربی، لرگی و آوار را تا اندازه‌ای می‌دانست. وی در سال ۱۲۰۲ ق / ۱۷۸۷-۸ در سن پانزده سالگی یکی از کاتبان دفترخانه ابراهیم خلیل‌خان جوانشیر فرزند ارشد و جانشین پناه‌خان شد که مکاتبات قره‌باغ را تحریر می‌کرد.

در دومین حضور آقامحمدخان در قفقاز، میرزاجمال به همراه خانواده ابراهیم خلیل‌خان جوانشیر، شوشی را ترک کرد و در روستای خوزناک ساکن شد و منشی یکی از همسران خان به نام بیگ خانم که خواهر عم‌خان^۲ حاکم داغستان بود - شد. بعد از شش ماه زمانی که عربی می‌آموخت به همراه بیگ خانم و پس از قتل آقامحمدخان قاجار به قلعه شوشی برگشت.

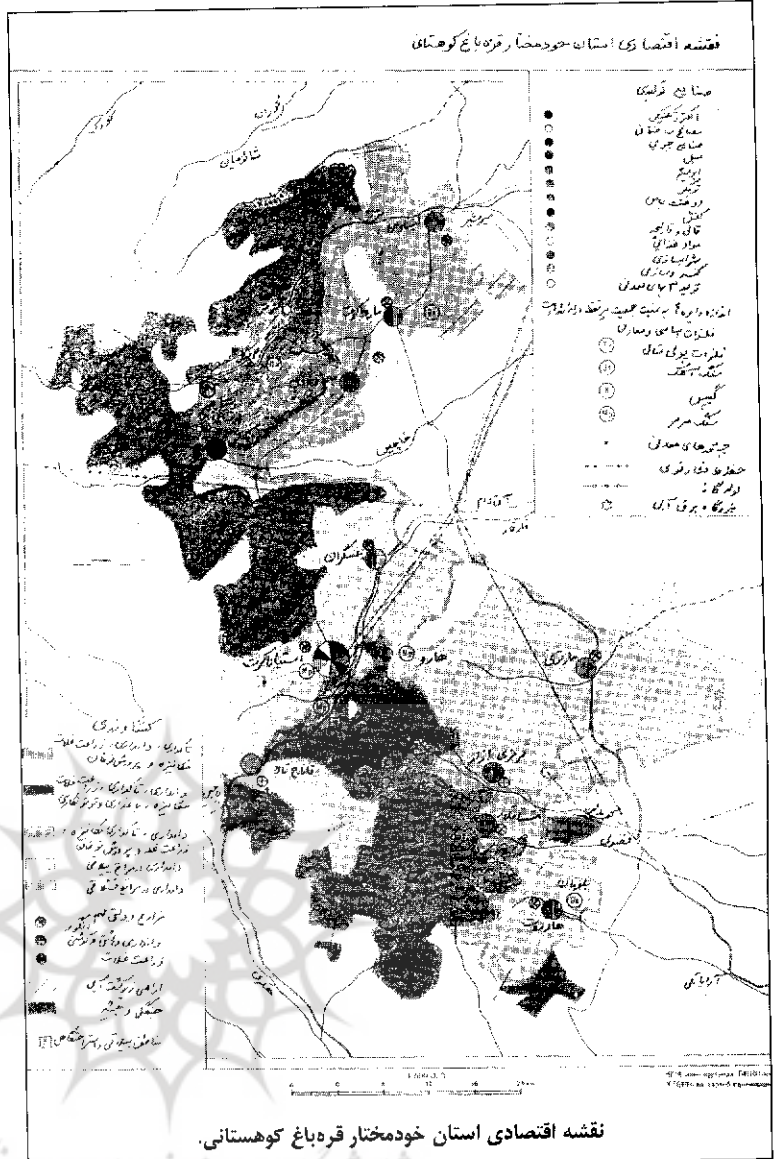
ابراهیم خلیل‌خان در سپاسگزاری از کوشش‌های محمدخان بیگ و پیروانش در طی محاصره و تصرف قلعه شوشی به وسیله خان قاجار، فرزندش میرزاجمال را به سمت منشی خصوصی‌اش و وزیر قره‌باغ تعیین کرد. بنابراین میرزاجمال در چهاردهم مه ۱۸۰۵ هنگام انعقاد عهدنامه کورک‌چای بین ابراهیم خلیل‌خان و سسیانوف^۳ که به موجب آن قره‌باغ را تحت‌الحمايه روسيه قرار می‌داد حضور داشت.

سرزمین قره‌باغ از دیرباز در ترکیب کشور ایران قرار داشت. گرچه در دوره صفویه و پس از صفویه چندین بار توسط عثمانی‌ها اشغال شد اما نظر به اقدامات شاهان ایرانی و مخالفت مردم منطقه با حضور عثمانی‌ها، به پیکره اصلی خود بازگشت. با قتل نادر به دلیل نبودن حکومتی واحد و قدرتمند، روند ایجاد خانان در منطقه قفقاز تسریع شد. از هرج و مرج موجود - که سیزده سال تا روی کار آمدن حکومت کریم‌خان زند به دراز کشید - جارچی پناه موفق به تأسیس خان‌نشین قره‌باغ و گسترش قلمروش به اطراف و اکناف شد. اما کریم‌خان او را به زیر کشید و فرزندش ابراهیم خلیل‌خان را به جانشینی وی برگزید. ابراهیم‌خان نیز همانند پدر به ضدیت با باقیماندگان ملیک‌های خسته ارمنی ادامه داد و موفق به نابودی آنها شد. با توجه به پدیداری قدرتی جدید به نام روسیه در قفقاز، ابراهیم خان سعی کرد از روسها بهره‌برداری کند ولی پس از اطمینان دادن فتحعلی‌شاه قاجار به وی مبنی حفظ جان و اموالش، خان قره‌باغ خسته از روسیه، در شب چهاردهم ژوئن ۱۸۰۶ با تعدادی از اعضای خانواده در راه فرار به سوی عباس‌میرزا که در انتظار وی بود توسط سپاهیان تعقیب‌کننده مشترک روسی - ارمنی با بیش از بیست نفر از همراهان به قتل رسید.

روس‌ها بلافاصله مهدیقلی‌خان، فرزند ابراهیم‌خان را به جانشینی وی انتخاب کردند اما حاکم بی‌اختیار جدید، در بهترین حالت مجری خوب سیاست‌های روس‌ها بود. به دنبال انعقاد عهدنامه گلستان در سال ۱۷۲۸، قره‌باغ همانند بسیاری از شهرهای اران از پیکره ایران جدا شد.

منابع دست اول نوشته شده درباره قره‌باغ تا اواسط قرن نوزدهم عموماً به زبان فارسی می‌باشد. گرچه مردم منطقه به زبان ترکی سخن می‌گفتند اما زبان اداری و ادبی منطقه فارسی بود. حتی قراباغ‌نامه لر میرزا آدی‌گوزل بیگ به ترکی با الفبای فارسی نوشته شده است. در این میان کتاب تاریخ

کتاب تاریخ و جغرافیا / دوران و زمین‌شناسی ۱۳۸۲



نقشه اقتصادی استان خودمختار قره‌باغ کوهستانی.

و برنج دریافت می‌کرد. یرمولف برای جمع‌آوری اطلاعات از قره‌باغ ناچار میرزاجمال را خیلی سریع از بازنشستگی فراخواند و از او خواست که اطلاعاتی درباره قره‌باغ تهیه کند. با حکم یرمولف در سال ۱۸۲۳ میرزاجمال به مقام منشی دفترخانه گماشته شد تا مکاتبات سرهنگ پتریکلاویچ یرمولف^۱ سرهنگ موجی لوسکی^۲ و شاهزاده مدداف^۳ و ژنرال روت^۴ را به رشته تحریر درآورد.

با شروع جنگ‌های دوره دوم روس و ایران در سال ۱۲۴۱ ق، میرزاجمال به همراهی مدداف در کناره‌های رود ارس پرداخت. در همین زمان با کمک پسر برادرش کریم‌بیگ سعی داشت که روستای احمدلو را به ناحیه دیزاک قره‌باغ ملحق کند.

در سال ۱۸۴۰ در اواخر شصت‌سالگی میرزاجمال مجدداً از خدمت برکنار و با متوقف شدن حقوق بازنشستگی‌اش دچار تنگی معیشت شد. ظاهراً این مشکلات تا آمدن ورشف^۵ اولین نایب‌السلطنه روسها در قفقاز و بخشیدن یک روستا به نام کارگاه بازار به وی ادامه داشت و فرزندانش حداقل تا زمانی که آدولف پتروویچ برزه^۶ زندگینامه او را در روزنامه قفقاز منتشر کرد از آن روستا بهره می‌بردند.

میرزاجمال اطلاعات خوبی در زمینه تاریخ و جغرافی و اخترشناسی داشت. به دلیل آشنایی با علم طب در سنین پیری بیماران را می‌دید و برای آنها دارو تجویز می‌کرد. میرزاجمال به جهت معالجه رایگان افراد بی‌بضاعت مورد احترام مردم بود. میرزا جمال در سال ۱۸۵۳ در سن هشتادسالگی درگذشت.

نگارش کتاب

سیاست ورتنسفه به کارگیری اطلاعات افراد محلی و گماشتن حاکمان بومی برای اداره منطقه قفقاز بود. در راستای همین سیاست در سال ۱۲۶۳ ق / ۱۸۴۷ با فرستادن شاه امیرخان بیگلروف به شوشی از میرزاجمال درخواست نوشتن کتابی درباره قره‌باغ را کرد و ظاهراً جهت ترغیب میرزاجمال حقوق بازنشستگی وی را برقرار نمود.

میرزاجمال از سال ۱۸۲۵ شروع به نوشتن کتابی درباره قره‌باغ کرد و آن را تا قبل از سال ۱۸۴۴ به پایان برد. بانقاضی ورتنسفه وی با اضافه کردن مطالبی در بخش مقدماتی و پایانی و بعضی از فصول، که منافع روس‌ها را به نوعی تأمین می‌کرد و احتمالاً حذف بعضی از مطالب همچون قتل ابراهیم خلیل‌خان توسط روس‌ها سعی در جلب رضایت بیشتر اربابان روسی کرد و در همان سال (۱۲۶۳ / ۱۸۴۷) تقدیم ورتنسفه نمود.

با این وصف تاریخ قره‌باغ میرزاجمال باید سه نسخه باشد:

- ۱- نسخه اول که در فاصله سال‌های ۱۸۴۴-۱۸۲۵ نوشته شده بود.
- ۲- نسخه دوم که میرزا جمال به درخواست ورتنسفه نوشت.
- ۳- نسخه سوم که توسط کاتبی از روی نسخه دوم در سال ۱۲۹۴ ق / ۱۸۷۷ نسخه‌برداری شده و هم‌اکنون جز

میرزاجمال در طی جنگ اول روس و ایران به عنوان منشی محمد حسین آقا فرزند ارشد ابراهیم خلیل‌خان که رهبری سواره‌نظام را تحت فرماندهی نبالسین داشت فعالیت می‌کرد.

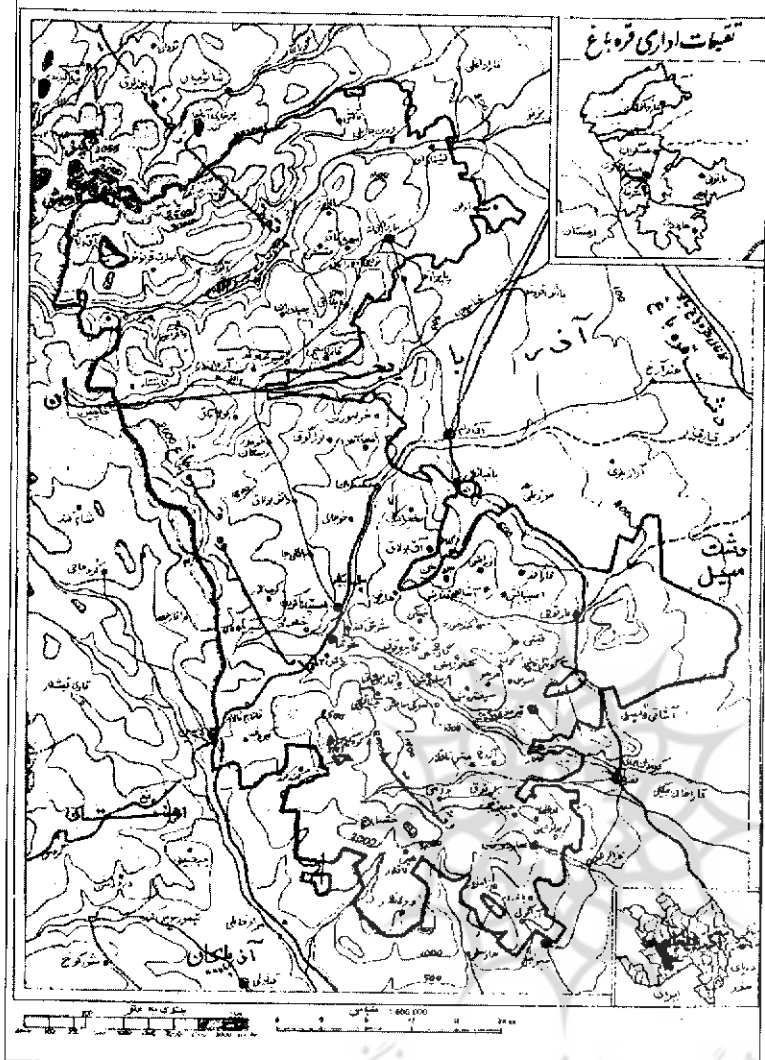
میرزاجمال در نبردهای خوناشین بین نیروهای نبالسین و عباس‌میرزا حاضر بود و برای ابراهیم خلیل‌خان در آن جنگ انجام وظیفه می‌کرد. چندی بعد او به نخجوان رفت و در مرزهای ایروان حامل پیام‌هایی برای ژنرال گنویچ^۷ بود. میرزاجمال سپس به نزد سرتیپ کوتلیاروسکی^۸ در آغ‌اوغلان فرستاده شد جایی که او متصدی تدارکات ارتش بود.

در تمام جنگ‌های دوره اول روس و ایران میرزاجمال و طایفه‌اش - که حدود صد نفر بودند - تحت حمایت دولت روسیه بودند.

بعد از قتل ابراهیم‌خان توسط روس‌ها و تعیین پسرش مهدیقلی‌خان به عنوان جانشین، میرزاجمال در خدمت مهدیقلی‌خان به عنوان آخرین خان قره‌باغ باقی ماند و پس از فرار مهدیقلی‌خان در سال ۱۸۲۲ به ایران، میرزاجمال به دستور ژنرال آلکسی پتروویچ یرمولف^۹ حاکم قفقاز بازنشسته شد و سالانه ۵۱۰ روبل حقوق بازنشستگی به همراه مقداری گندم

**نظر به اینکه
بورنوتیان
اطلاعات جامعی از
اوضاع قفقاز
در زبان‌های
مختلف داشته،
مقدمه و توضیحات
وی در زیرنویس‌ها
جهت روشن شدن
اذهان خوانندگان
بسیار مؤثر و
بجا می‌باشد**

استان خودمختار قره باغ کوهستانی



نسخه‌های نفیس و نادر با شماره M-۱۹۵ در انستیتو نسخ خطی محمد فضولی نگهداری می‌شود.

از نسخ اول و دوم تاکنون اطلاعاتی به دست نیامده فقط دölf پتروویچ برزه، ترجمه کتاب میرزاجمال را در فاصله ششم اوت تا سوم سپتامبر ۱۸۵۵ در شماره‌های ۶۸، ۶۵، ۶۳، ۶۲ و ۶۱ روزنامه قفقاز انتشار داد. ترجمه برزه، ساده و فاقد القاب، عناوین و اصطلاحات قدیمی بود. در ترجمه برزه از پیشگفتار و تقدیم کتاب به ورنتسف و همچنین بخش پایانی نتیجه‌گیری که در نسخه سوم دیده می‌شود خبری نیست. از آن جایی که تنها فرق نسخه دوم و سوم در کتابت آن دو است و از نظر محتوی و مطلب هیچ فرقی با همدیگر ندارند پس قاعدتاً باید برزه از نسخه اول میرزاجمال استفاده کرده باشد. به علاوه در ترجمه برزه تعدادی از پاراگراف‌های کتاب میرزاجمال که در نسخه سوم دیده نمی‌شود وجود دارد. همین پاراگراف‌ها تقریباً کلمه به کلمه در قراباغ‌نامه‌لر، اثر میرزا آدی‌گوزل بیگ آمده است.

با مقایسه تاریخ قراباغ با قراباغ‌نامه‌لر - که به ترکی با الفبای فارسی نوشته شده - به راحتی به نزدیک بودن مطالب دو کتاب می‌توان پی‌برد که حکایت از استفاده یکی از دیگری دارد:

۱- هر دو کتاب تقریباً دوره واحدی از تاریخ قره‌باغ را در بر می‌گیرد. میرزاجمال چند سال بعد از سلطنت نادرشاه کتاب را شروع و آن را با عهدنامه ترکمانچای (۱۷۴۰-۱۸۲۸) به پایان برده است.

آدی‌گوزل‌بیگ نیز از آغاز سلطنت نادرشاه شروع و با پایان جنگ‌های دوره دوم روس و ایران (۱۷۳۶-۱۸۲۸) ختم کرده است.

۲- هر دو کتاب از نظر محتوا، دسته‌بندی و ترتیب موضوعات شباهت بسیاری به هم دارند.

۳- چندین پاراگراف هر دو کتاب کاملاً شبیه به هم است.

اقلیتی از محققین بر مستقل بودن هر دو نوشته از همدیگر تأکید دارند که با دلایل ذکر شده نمی‌تواند درست باشد.

گروهی بر استفاده میرزاجمال از کتاب آدی‌گوزل‌بیگ اصرار می‌ورزند. این گروه که عموماً ترک‌زبانان در توجیه دلایل خود دو سال زودتر تحویل دادن کتاب از سوی آدی‌گوزل‌بیگ به ورنتسف را ملاک دانسته‌اند. "پتروشفسکی و س. آغایان و ن. لویانوف" و تعدادی از محققین دیگر جملگی بر بهره‌گیری آدی‌گوزل‌بیگ از اثر میرزاجمال اتفاق نظر دارند که واقعیت‌های موجود مهر تاییدی بر گفته‌های این پژوهشگران می‌زند:

۱- میرزاجمال نگارش «تاریخ قره‌باغ» را بسیار زودتر از آدی‌گوزل‌بیگ شروع کرده و قبل از وی به پایان برده است.

۲- در ترجمه برزه در روزنامه قفقاز تعدادی از پاراگراف‌های کتاب میرزاجمال که در نسخه سوم و بالطبع در نسخه دوم - دیده نمی‌شود وجود دارد و همین پاراگراف‌ها به اضافه پاراگراف‌های دیگری تقریباً کلمه به کلمه در قره‌باغ‌نامه‌لر آدی‌گوزل‌بیگ آمده که نشان‌دهنده استفاده آدی‌گوزل‌بیگ از نسخه اول میرزاجمال است.

آدی‌گوزل‌بیگ محرم اسرار روس‌ها محسوب می‌شد و این اطمینان تا بدان حد بود که از سری‌ترین مسائل روس‌ها در قفقاز با خبر بود و با بسیاری از فرماندهان بلندپایه روسی منطقه از جمله سرتیپ لیسیانوویچ روابط صمیمانه‌ای داشت به همین دلیل دارای نفوذ فوق‌العاده‌ای بود که با استفاده از آن بسیاری از منابع مهم، از جمله دست‌نوشته اول میرزاجمال دسترسی داشته است.

کتاب تاریخ قره‌باغ میرزاجمال از بیست فصل تشکیل شده که از فصل یکم تا فصل هفتم آن دارای شماره و از فصل هشتم تا فصل بیستم بدون ذکر شماره فقط «فصل» نوشته شده است.

به گفته میرزاجمال، وی بیش از نیم قرن در دستگاه خوانین قره‌باغ حضور داشت و تا مرتبه وزارت قره‌باغ بالا رفت. از آنجا که در طی دوره طولانی میرزایی فرامین خان‌های قره‌باغ را به رشته تحریر در می‌آورد و در بسیاری از جنگ‌ها و حوادث، حاضر و ناظر بود در نتیجه بسیاری از مسائل جزئی را دیده یا شنیده و آن‌ها را تحریر کرده است. برای نوشتن وقایع و حوادث گذشته‌های دورتر از تواریخ گذشته یا اشخاص مسن استفاده کرده است به همین دلیل

کتاب تاریخ قره‌باغ

میرزا جمال جوانشیر

قره‌باغی

تاکنون به زبان‌های

انگلیسی، روسی،

ترکی و آذری

چاپ شده

ولی

به زبان اصلی کتاب،

یعنی فارسی

چاپ نشده است

فصل سب در ایش و دولت عهد بر سر کمان مهدی قیاس = در اول
 ملاقات مرحوم ابراهیم خان به سردار سیافوف در کورک چای مرحوم محمد حسن آقا
 از فرزند بزرگ مرحوم ابراهیم خان لقب کسب و ایش دولت عهد بر سر کمان محمد حسن آقا
 لقب امیر همیمن محمد حسن آقا را بر سر کمان آید و در کورک چای سیافوف لقب کسب
 بیارال مایور محمد حسن آقا در احوال حیات مرحوم ابراهیم خان مرحوم شده در سیارال
 مایور محمد قیاس آقا بزرگ فرزند باغ مرحوم ابراهیم خان لقب کسب و ایش دولت عهد بر سر
 باکا غده محمود با هم مرحوم ابراهیم خان دست بر اعیان و کتبی در سیارال در حال
 حیات خود مرحوم ابراهیم خان به لقب آقا دولت عهد کسب خان در ایش در نظر حضرت
 ولید از مرحوم شدن ابراهیم خان به حال سب مایور سیافوف کسب در سیارال مایور محمد
 نوشته بهار که فرمان امیر الطور عظیم مرحوم الک اندر با دلچ و عام و شمشیر مرصع
 بنام مرحوم مهدی قیاس صادر شده بگردد و خان قریباغ مضروب فرزند در
 سنه ۱۸۰۵ و مقتضات ایام حکومت مرحوم مهدی قیاس از در قریباغ که کار کرد
 در این علیه نوشته این معلوم در ایش لقب کسب آقا عرض بخیر می نمود
 صورت مرتضی امیران در ایش باغی آنها بود که در کورک چای مستعد مرحوم
 ما قابل اعتراف نماید
 والستبلی

صفحه آخر نسخه خطی که در چاپ انگلیسی مورد استفاده قرار گرفته است.

بوده باید از تفصیل بیشتری برخوردار می‌بوده، در حالی که متأسفانه فصل هشتم کتاب میرزاجمال که اختصاص به جنگ‌های دوره دوم روس و ایران دارد فقط در دو صفحه خلاصه شده که احتمالاً می‌تواند با دلایل ذیل همراه باشد:

۱- میرزاجمال نسخه اول را قبل از سال ۱۲۴۱ پایان برده و موقعی که در سال ۱۲۶۳ از وی خواسته شد که تاریخ قره‌باغ را بنویسد وی ناچار به جهت تسریع در تحویل کتاب جنگ دوم روس و ایران را که بیست سال از آن گذشته بود به اختصار به تحریر کشید.

۲- جذایی قره‌باغ از بدنه ایران به موجب عهدنامه گلستان و خودگردانی عوامل روس‌ها در قره‌باغ باعث عدم درج مطالب تفصیلی توسط میرزاجمال شده است.

میرزاجمال بعد از شرح دلایل نوشتن کتاب و اظهار ارادت نسبت به دولت روسیه و شخص ورتنسف، در بیست فصل کتاب مطالبی به شرح ذیل آورده است:

فصل اول: درباره وضعیت جغرافیایی قره‌باغ؛ آبادی‌ها با مرزها؛ رودها؛ اولین شهرهای بنا شده در آن؛ تعلق قره‌باغ به مملکت ایران؛ نحوه خرابی قره‌باغ به وسیله چنگیز و تیمور و چگونگی کشاورزی در آن.

فصل دوم: نحوه سکونت ملیک‌های خمسه ارمنی از دوره صفویه و بعد از آن.

فصل سوم: درباره آبا و اجداد پناه‌خان؛ چگونگی حضور وی در دستگاه نادرشاه افشار؛ علل فرار وی از لشکر نادرشاه از خراسان؛ نحوه تسلط پناه‌خان بر قره‌باغ؛ چگونگی کوچ ایلات جوانشیر از خراسان به قره‌باغ؛ احداث قلعه بیات در قره‌باغ؛ چگونگی ایجاد اختلاف بین ملیک ارمنی توسط پناه‌خان به تفصیل بحث کرده است.

فصل چهارم: در باب حوادث بعد از قتل نادر؛ نحوه دریافت لقب خان پناه‌خوان از امیراصلان خان سردار آذربایجان؛ احداث قلعه شوشی؛ انتقال مردم به قلعه شوشی؛ حمله محمدمحسن خان قاجار به قلعه شوشی؛ حمله فتحعلی خان افشار حاکم ارومیه به قلعه شوشی و اتحاد با ملیک‌های ارمنی؛ تبعات ظهور کریم‌خان و خلاصی ابراهیم‌خان از دست فتحعلی مطالبی مسبوط ذکر شده است.

فصل پنجم: به حکومت ابراهیم‌خان، حدود قلمرو وی، چگونگی عزل و نصب حکام ولایات مختلف، ظهور آقامحمدخان و ارسال فرستادگانی به نزد خان قاجار اختصاص دارد.

فصل ششم: درباره اقدامات آقامحمدخان در قفقاز، فتح تفلیس؛ دو دستگی ارمنیان در مقابل آقامحمدخان؛ چگونگی حضور سپاهیان روس به فرماندهی زویف در قفقاز؛ نحوه ارتباط زویف با خوانین منطقه از جمله ابراهیم خان؛ حضور مجدد آقا محمدخان در قفقاز؛ فرار ابراهیم خان از قلعه شوشی به داغستان؛ تصرف قلعه شوشی توسط آقامحمدخان و قتل خان قاجار.

فصل هفتم: بررسی اوضاع قره‌باغ و قفقاز پس از قتل آقامحمدخان؛ چگونگی ورود ابراهیم خان به قره‌باغ؛ به سلطنت رسیدن فتحعلی شاه؛ اطاعت ابراهیم خان از وی؛ ازدواج فتحعلی شاه با آقاییگم دختر ابراهیم خلیل خان؛ شروع جنگ‌های روس و ایران؛ روابط ابراهیم خلیل خان با روس‌ها؛

میرزا جمال

در چهاردهم

مه ۱۸۰۵

هنگام انعقاد

عهدنامه

کورک چای

بین ابراهیم خلیل

خان و تسیانوف

که به موجب آن،

قره‌باغ را

تحت الحمايه روسيه

قرار می‌داد،

حضور داشت

کتاب او به یقین منبع موفق و دست‌اولی برای روشن شدن وضعیت قره‌باغ و مناطق اطراف آن می‌باشد.

میرزاجمال به دلیل تعلق خاطر به خوانین جوانشیر، از دیدگاه ایلاتی خود مطالب را قلم زده و به هر صورت ممکن از پناه‌خان و ابراهیم خلیل خان - تا جایی که با روسیه تصادم پیدا نکرده است - به شدت دفاع کرده و هیچ‌گاه از شکست این دو مطلبی ننوشته و در صورت نوشتن آن را کم رنگ جلوه داده است.

از آنجایی که میرزاجمال خدمت به روس‌ها را برای خود افتخاری بزرگ می‌داند در نوشتن مطالبی که به نوعی عملکرد روس‌ها را در منطقه زیر سؤال می‌برد همچون قتل ابراهیم خلیل خان جوانشیر به سادگی و با اشاره‌ای مغلق و پیچیده عبور می‌کند. به نظر می‌رسد بعد از سفارش ورتنسف بخش قابل توجهی از مطالب کتاب را که دربرگیرنده مطالب ضد روسی بوده، حذف کرده است.

استخوان‌بندی مطالب میرزاجمال در هفت فصل اول کتاب مشاهده می‌شود. مفصل‌ترین فصل مربوط به جنگ‌های دوره اول روس و ایران در فصل هفتم در پانزده صفحه می‌باشد. قاعدتاً حوادثی که به زمان نویسنده نزدیک

میرزا جمال در چهاردهم مه ۱۸۰۵ هنگام انعقاد عهدنامه کورک چای بین ابراهیم خلیل خان و تسیانوف که به موجب آن، قره‌باغ را تحت الحمايه روسيه قرار می‌داد، حضور داشت

مرگ محمدحسن آقا فرزند ارشد ابراهیم خان؛ تعیین مهدیقلی خان فرزند دیگر ابراهیم خان از سوی روس‌ها به جانشینی وی؛ قتل تسیانوف؛ گرایش ابراهیم خان و خانان دیگر قفقاز به سوی ایران و قتل ابراهیم خان به وسیله روس‌ها با هماهنگی فرزند و نوه وی.

فصل هشتم: دوره دوم جنگ‌های روس و ایران.

فصل نهم: مدت حکومت پناه خان، ابراهیم و مهدیقلی خان.

فصل دهم: آثار و عمارات ساخته شده توسط پناه خان و ابراهیم خان در قره‌باغ.

فصل یازدهم: دریافت مالیات و هدایا از سوی ابراهیم خلیل خان.

فصل دوازدهم: پیشکش‌های اشخاص معتبر و سرکردگان قشون به ابراهیم خان.

فصل سیزدهم: تأمین هزینه همراهان در مسافرت توسط ابراهیم خان.

فصل چهاردهم تا نوزدهم به ترتیب درباره مداخل، اخلاق و رفتار، اسب‌ها، کارگزاران و اولاد ابراهیم خلیل خان.

فصل بیستم در خصوص مهدیقلی خان، جانشین ابراهیم خلیل خان.

کاستی‌ها:

با مطالعه تاریخ قره‌باغ می‌توان به برخی نقائص کار میرزا جمال پی‌برد که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. میرزا جمال در تطبیق سال‌های قمری با میلادی توفیقی نداشته است مثلاً سال قتل نادر در سال ۱۱۶۰ ق. را با سال ۱۷۳۳ برابر دانسته که در واقع ۱۷۴۷ می‌باشد.

۲. دقت لازم را در نوشتن برخی اسامی به خرج نداده است. به عنوان مثال قطارسکی = قطوروسکی، قوالوسکی = فولنسکی.

۳. برای میرزا جمال «ذ» و «ز» فرقی نداشته است همچون «تذویر» یا «مذبوره».

۴. اغراق، خصیصه میرزا جمال است که معمولاً نویسندگان منابع دست اول نسبت به اربابان خود دارند. مثلاً میرزا جمال قلمرو حکومت ابراهیم خان را شیروان، شکی، گنجه، ایروان، نخجوان، خوی، قراداغ تبریز، اردبیل، مراغه، قافلان کوه در سرحد عراق عرب و آذربایجان ذکر کرده است که عزل و نصب تمام خوانین مناطق فوق با وی بوده است. ناگفته پیداست که خوانین قدرتمندتر یا هم‌مراز با ابراهیم خان همچون هراکلیوس، حاکم گرجستان، فتحعلی خان حاکم قوبا، نظرعلی خان حاکم اردبیل و مصطفی خان شیروانی و غیره در همان دوره وجود داشتند که به ابراهیم خلیل خان اجازه تعرض به قلمرو خود را نمی‌دادند.

ترجمه انگلیسی:

کتاب میرزا جمال به وسیله جورج بورتوتیان^{۱۳} با عنوان A History of Qarabagh به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۹۴ به وسیله انتشارات مزدا با جلد گالینگور در ایالات متحده انتشار یافت. بورتوتیان در ایران متولد شد و در مطالعات ایرانی و ارمنی از دانشگاه UCLA ایالات متحده

کیفیت حکومت و استقلال خوانین مرصین پناه خان و ابراهیم خان در ولایت قراباغ و بعضی از وقایع متفرقه

صورت ترقوم اولم بسم الله الرحمن الرحیم میرزا جمال قراباغی در ولایت قره‌باغ

محمد سجد و شای پشته‌های دی عدد پروردگار عالمیا ترا سرده که کلاه سعادت بزرگ را بر سر هر که بخواهند نهد و از هر که خواهد ستاند در حقیت عزت و دولت و بختیاری محض از که علم و لطف یرم اوست بیت در قسمت بندی که می‌گردد نود و نه بزرگ‌ها بعد از محمد و الشنا برده‌گاه خانی ارض و السماء بر از باب دانش فرمودند که دانش و خبر در این اذ وقایع و آرزوهای گذشته و اوضاع و کیفیت هر دو باعث تراید بصیرت است و موجب بکار منفعت فلهذا تاریخ مشیانی ۱۲۶۳ مطابق با سنه ۱۸۴۷ که الهیاه حضرت قاسم‌الکباب بر لکون قولی شاه ایروان قراباغی را در نظر گرفت بر لکون شمشیر آینه بدهند و با این مخلص و مخلصان قدیر میرزا جمال جزئیتر قسماً لای که مدت بید در خدمت و حضور خوانین قراباغ صاحب کار و لجه با مر میرزای وزارت قراباغ اشتغال داشته و لجه در حکومت ایشان باز از جمله فرستادگان

صفحه اول نسخه خطی که در چاپ انگلیسی مورد استفاده قرار گرفته است.

در تمام جنگ‌های دوره اول روس و ایران، میرزا جمال و طایفه اش - که حدود صد نفر بودند - تحت حمایت دولت روسیه بودند

درجه دکتری گرفت. سپس بورسیه IREX را برای تحقیقات درباره ارمنستان، گرجستان و آذربایجان و همچنین بورسیه Mellon را برای فوق دکتری دریافت کرد.

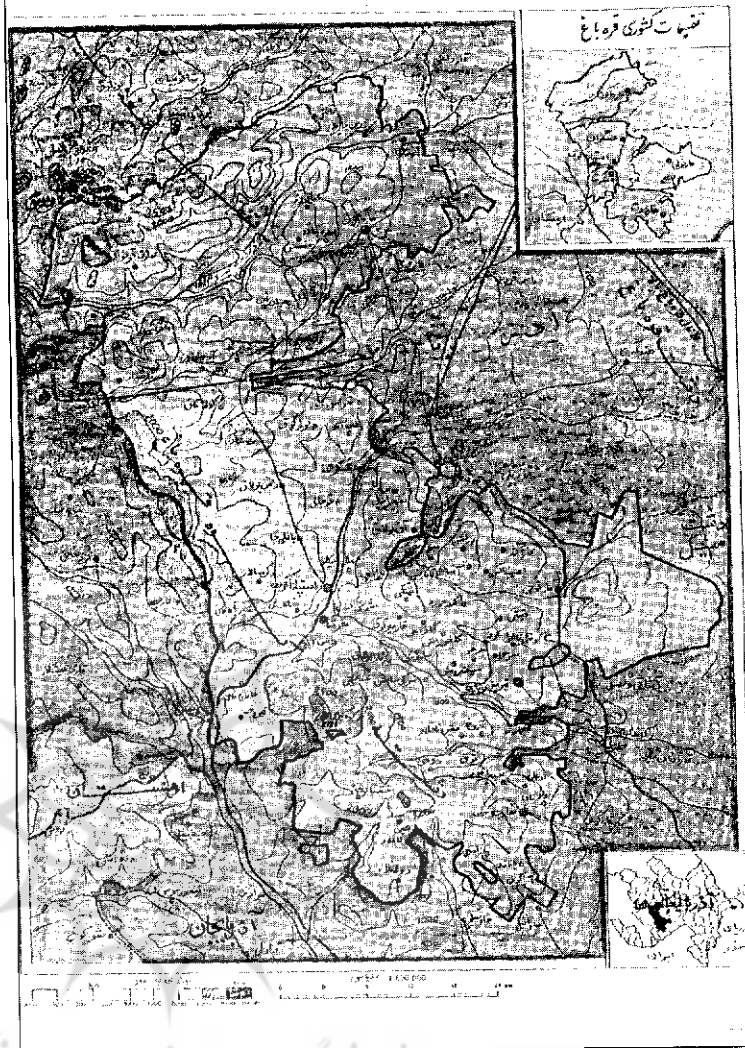
بورتوتیان، زبانهای ارمنی و روسی و تاریخ خاورمیانه را در دانشگاه‌ها UCLA، کلمبیا، نیویورک، تافت، کانکتیکات^{۱۴} و کالج رمپو^{۱۵} فراگرفت. او عضو هیأت علمی دانشکده روسیه، اروپای شرقی و خاورمیانه در کالج ایونا^{۱۶} و عضو کمیسیون پژوهش دولت نیوجرسی است و در نیوجرسی زندگی می‌کند. بورتوتیان قبلاً در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ به وسیله همین انتشارات کتاب‌هایی تحت عنوان

The khanate of Erevan under Qajar, ۱۷۹۵-۱۸۲۸ A History of Armenian people vol I pre-History to 158 به چاپ رساند.

ترجمه انگلیسی کتاب تاریخ قره‌باغ شامل بخش‌های ذیل است:

۱. مقدمه نوشته شده توسط بورتوتیان در صفحات ۲۱-۱؛
۲. پنج نقشه در صفحات ۲۶-۲۲؛
۳. متن ترجمه شده کتاب تاریخ قره‌باغ میرزا جمال با زیرنویس‌های مترجم در صفحات ۱۴۸-۲۹

استان خود مختار قره باغ آذربایجان



۸. فسائی، میرزا محمدحسن حسینی: تاریخ فارسنامه ناصری، ۲ جلد، تهران، سنایی، ۱۳۱۴.
 ۹. غفاری کاشانی، میرزا محمدابوالحسن: گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، زرین، ۱۳۶۹.
 ۱۰. هدایت، رضاقلی خان: روضه‌الصفای ناصری، ج ۹، حکمت، قم، ۱۳۳۹.
 ۱۱. خردادبه، ابوالقاسم ابن عبدالله: المسالک و الممالک، تهران، مهات، ۱۳۷۰.
 ۱۲. مروی، محمدکاظم: عالم‌آرای نادری، ۳ جلد، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران، علمی، ۱۳۶۹.
 ۱۳. مستوفی قزوینی، حمداله: نزهة القلوب، تهران، ارمغان، ۱۳۶۲.
 ۱۴. موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمدصادق: تاریخ گیتی‌گشا، به تصحیح میرزا عبدالکریم و آقا محمدرضا شیرازی، تهران، اقبال، ۱۳۶۳.
 ۱۵. ساروی، محمد فتح‌اله: تاریخ محمدی «احسن التواریخ»، به تصحیح غلامرضا طباطبایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
 ۱۶. سپهر، میرزا محمدتقی: ناسخ التواریخ، ج ۱ و ۲، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامی، ۱۳۴۴.
 ۱۷. یعقوبی: تاریخ یعقوبی، ۲ جلد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- بورتوتیان از کتاب شرح حال رجال ایران، اثر مهدی یامداه نیز به عنوان منبع دست دوم فارسی استفاده کرده است. بورتوتیان برای ترجمه و تصحیح کتاب میرزا جمال غیر از منابع فوق، از دو منبع آذری، یک منبع ترکی، چهار منبع عربی، هشت منبع روسی، یک منبع گرجی، یک منبع فرانسوی، شانزده منبع انگلیسی یا ترجمه شده به انگلیسی، و بیست و هفت منبع دست دوم به زبان‌های مختلف استفاده برده است.

نظر به تحقیقات گسترده بورتوتیان در زمینه تاریخ قفقاز مقدمه و توضیحات وی در زیرنویس‌ها جهت روشن شدن اذهان خوانندگان بسیار مؤثر و بجای می‌باشد که راقم این سطور نیز از آن بهره برده است. با همه این اوصاف دچار اشتباهاتی نیز شده است که به نسبت حجم کار چندان قابل توجه نیست: ۱. در خواندن متن فارسی کتاب تاریخ قره‌باغ به جز چند مورد توفیق داشته است:

- با لوقایبه را بالگر خوانده است^{۲۳}
- محمدحسن خان شکی لو را محمدحسن خان شکی نوشته و «لو» را حذف کرده است.^{۲۴}
- فضل بیگ را درست خوانده ولی در داخل پراتنتر واژه‌ای بی‌مسمی به نام 'fazi' آورده است.^{۲۵}

۲. بورتوتیان وحدت رویه‌ای را برای تصحیح کتاب در پیش نگرفته است. در توضیح بعضی از اصطلاحات مثل ایشیک آقاسی، کیشیک‌چیان و یساول در مقابل آن کلمات ضمن باز کردن پراتنتر، با گنجاندن یک لغت معادل به توضیح پرداخته^{۲۶} و شرحی درباره اصطلاحات فوق نداده است. در حالی که در دو خط قبلی راجع به «یوزباشی» و در پاراگراف قبلی به توضیح درباره «مین‌باشی» اقدام کرده است.^{۲۷}

۴. منابع مورد استفاده مترجم در صفحات ۱۴۴-۱۳۹.
 ۵. فهرست اعلام در صفحات ۱۵۷-۱۴۸.
 ۶. کپی تمامی صفحات نسخه تاریخ قره‌باغ میرزا جمال بدون صفحه‌شمار در آخر کتاب.
- منابع فارسی مورد استفاده بورتوتیان عبارت‌اند از:
۱. رستم‌الحکما: رستم‌التواریخ، محمد هاشم آصف، به تصحیح محمد مشیری، تهران، انتشارات سپهر، ۱۳۵۲ ش.
 ۲. استرآبادی، میرزا محمد مهدی کوبکی: تاریخ جهانگشای نادری، تهران، انتشارات سپهر، ۱۳۷۰ ش.
 ۳. باکیخانوف، عباسقلی آقا: گلستان ارم، تصحیح عبدالکریم علی‌زاده، ماکو، انتشارات علم، ۱۹۷۰.
 ۴. البلاذری، احمدبن یحیی، فتوح‌البلدان، تهران، بنیاد فرهنگی، ۱۳۶۴.
 ۵. مفتون دنبلی، عبدالرزاق بیگ: مآثرالسلطانیه، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱.
 ۶. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، المسالک و الممالک، تصحیح ایرج افشار، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
 ۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: تاریخ منتظم ناصری، ج ۲ و ۳، تهران، دنای کتاب، ۶۷-۱۳۶۴.

با شروع جنگ‌های دوره دوم روس و ایران در سال ۱۲۴۱ ه. ق. میرزا جمال به همراهی مدداف در کناره‌های رود ارس پرداخت

۳. آوردن زیرنویس‌های تکراری درخصوص اسامی مکان‌ها و اشخاص و یا اصطلاحات رایج در کتاب میرزا جمال یکی دیگر از نقاط ضعف این ترجمه است. معمولاً در تصحیح نسخه خطی، مصحح برای اولین باری که به کلمه‌ای نامفهوم برخورد می‌کند به توضیح کامل درباره آن در زیرنویس همان صفحه می‌پردازد و در صورت تکرار آن کلمه در صفحات بعد، درباره آن توضیحی نمی‌دهد و به همان زیرنویس ارجاع می‌دهد.

بورتوتیان با آوردن زیرنویس‌های تکراری که بسیاری از مطالب آن مثل هم می‌باشد به افشای آسیب وارد کرده است. به عنوان مثال درباره عمه خان، حاکم آوار در زیرنویس‌های ۲۸۶، ۲۳۳، ۲۰۷، ۹۲، توضیحات تکراری آورده است.^{۲۶} آوردن توضیح کامل درباره زیرنویس شماره ۲ که برای اولین بار در کتاب آمده بود به نظر صحیح می‌رسد که در زیرنویس‌های بعدی می‌شد خواننده را به همین زیرنویس ارجاع داد. هدف بورتوتیان از این کار نامعلوم است.

۴. عدم دقت در بعضی مسائل ساده از مشکلات دیگر این اثر ارزشمند است:

○ در فهرست منابع ضمن نام بردن از کتاب مائراسلطانیه عبدالرزاق بیگ مقنون دنبلی از غلامحسین صدری افشار به عنوان کوشنده آن اثر ذکری نکرده است.^{۲۷}

○ بورتوتیان مؤلف کتاب تاریخ محمدی «احسن التواریخ» را «سارویی»^{۲۸} می‌نامد درحالی که وی «ساروی»^{۲۹} می‌باشد. ضمن این که نام کامل نویسنده و کوشنده آن اثر را نیز نیاورده است فقط نوشته محمدفتح الله سارویی و غلامرضا طباطبایی. در حالی که اسم کامل مؤلف و کوشنده به ترتیب محمدفتح‌الله بن محمدتقی ساروی و غلامرضا طباطبایی مجد می‌باشد.^{۳۰}

بورتوتیان در مقابل سال‌های ذکر شده در کتاب میرزا جمال با گذاشتن "hijri" قصد نشان دادن سال هجری قمری را داشته است. گرچه در زیرنویس شماره ۱۱ متن ترجمه شده درباره هجری قمری توضیح داده ولی بهتر می‌بود با آوردن "GH" نشان می‌داد که منظورش حداقل سال شمسی نیست یا حداقل با توضیحی درباره سال شمسی، تسهیلی در کار خوانندگان کتاب ایجاد می‌کرد.

○ در زیرنویس شماره ۲۳۳ متن ترجمه شده «منطقه تالش» را در شمال ارس نوشته در حالی که تالش شمالی در شمال ارس و تالش جنوبی شامل تالش، اسالم، رضوانشهر، ماسال، شاندرمن و مناطق اطراف شهرهای صومعه‌سرا، قومون و شفت در جنوب رود ارس و در خاک ایران واقع شده است.

○ در زیرنویس شماره ۱۴ متن ترجمه شده در ذکر شهر لنکران آن را Lenkoran نوشته در حالی که این اسم از فارسی گرفته شده و مرکب دو قسمت لنگر + کونان یا کنان است. لنگر به معنی لنگر انداختن و کونان یا کنان به معنی سرزمین است و بایستی Larkaran نوشته و خوانده شود.^{۳۱}

۵. در ترجمه یا تصحیح نسخ خطی این حق برای مترجم یا کوشنده متصور نیست که حتی یک کلمه از نسخه اصلی را تغییر دهد یا به جای آن کلمه‌ای مشابه که احیاناً بعداً مرسوم شده بگذارد. در صورت لزوم مترجم یا کوشنده

میرزا جمال از سال ۱۸۲۵ شروع به نگارش کتابی درباره قره‌باغ کرد و آن را تا قبل از سال ۱۸۴۴ به پایان برد. با تقاضای ورنتسلف، وی با اضافه کردن مطالبی در بخش مقدماتی و پایانی و بعضی از فصول که منافع روس‌ها را به نوعی تأمین می‌کرد و احتمالاً حذف بعضی از مطالب همچون قتل ابراهیم خلیل خان توسط روس‌ها، سعی در جلب رضایت بیشتر اربابان روسی کرد و در همان سال (۱۲۶۳ ه. ق. / ۱۸۴۷ م.) تقدیم ورنتسلف نمود

آدی گوزل محرم اسرار روس‌ها محسوب می‌شد و این اطمینان تا بدان حد بود که از سری‌ترین مسائل روس‌ها در قفقاز با خبر بود و با بسیاری از فرماندهان بلندپایه روسی منطقه از جمله سرتیپ لیسانویچ روابط صمیمانه‌ای داشت. به همین دلیل دارای نفوذ فوق‌العاده‌ای بود که با استفاده از آن به بسیاری از منابع مهم، از جمله دست نوشته اول میرزا جمال دسترسی داشته است

با مقایسه

«تاریخ قره‌باغ»

با «قرباغ نامه لر»

اثر میرزا آدی

گوزل بیگ

که به ترکی

با الفبای فارسی

نوشته شده -

به راحتی

به نزدیک بودن

مطالب دو کتاب

می‌توان پی برد

که حکایت از

استفاده یکی

از دیگری دارد

می‌تواند با ذکر کلمه ثبت شده در نسخه خطی در زیرنویس یا در داخل پرانتز در مقابل همان کلمه توضیحات لازم را ادا کند.

○ میرزا جمال در شمال قره‌باغ منطقه‌ای به نام تالش ذکر کرده که تا جنگ‌های دوره اول روس و ایران قومی به همین نام در آن زندگی می‌کردند^{۳۲} اما بورتوتیان ضمن به کار بردن گلستان به جای تالش در زیرنویس شماره ۶۷ متن ترجمه شده منکر وجود تالشان در آن منطقه گردیده و اصرار به استفاده از کلمه گلستان دارد.

○ بورتوتیان برای کلمه «ارس» که میرزا جمال در تمام صفحات از آن استفاده کرده نام روسی «آراکس» را بکار برده است.

○ جاهایی را که میرزا جمال از پول رایج یعنی منات استفاده کرده بورتوتیان بدون ذکری از منات به جای آن از روبل استفاده کرده است.^{۳۳} آیا ارزش روبل و منات در آن دوره با هم برابر بوده است؟ چه لزومی به استفاده روبل به جای منات بود؟

کتاب تاریخ قره‌باغ میرزا جمال جوانشیر قره‌باغی به زبان‌های انگلیسی، روسی، ترکی و آذری چاپ شده ولی به

آنها رفتار تحقیرآمیز داشت. او اعتقاد به اتحاد و پیوستگی با حاکمان محلی نداشت.

۴- Peter Fedorovich Nebolsin خدمتش را در جنگ‌های روس‌ها با عثمانی در پایان قرن هجدهم شروع کرد و در سال ۱۸۰۴ به سرعت به درجه سرتیپی ارتقا یافت. در سال ۱۸۰۶ به قفقاز منتقل شد و در جنگ‌های دوره اول ایران و روس شرکت کرد و در سال ۱۸۱۰ درگذشت.

۵- General Field Marshal Ivan Vasilevich Gudovich ارتشبد ایوان واسیلیویچ گودویچ (۱۷۴۱-۱۸۲۰) در جنگ‌های روسیه و عثمانی در سال‌های ۱۷۴۸-۱۷۴۷ تحت فرماندهی پوتمکین G. A. Potemkin خدمت کرد. گودویچ در سال ۱۷۹۱ به عنوان فرمانده نیروهای روسی در قفقاز تعیین شد. بعد از حمله آقامحمدخان به تفلیس به آماده کردن نیروی جنگی علیه ایران پرداخت اما کاترین دوم فرماندهی را از جنگ وی درآورد و به والرین زیوف داد. گودویچ خشمگینانه استعفا کرد. بعد از مرگ کاترین اول، پل تزار جدید زیوف را احضار و گودویچ مجدداً فرمانده کل نیروهای روسیه در قفقاز شد. با روی کار آمدن الکساندر اول، سیسیانوف به جانشینی گودویچ انتخاب شد. با مرگ سیسیانوف مدتی فرماندهی جنگ‌های روسیه و عثمانی (۱۸۱۲-۱۸۰۶) و زمانی هم فرماندهی جنگ‌های دوره اول روس و ایران (۱۸۱۳-۱۸۰۴) را به عهده داشت. او در سال ۱۸۰۹ جایش را به الکساندر تورموسف Alexander Tormasov داد و به روسیه رفت و ابتدا به عنوان کنسول و سپس به سناتوری انتخاب شد.

۶- Peter Kotliarevski پتر کوتلیاروسکی (۱۸۵۲-۱۷۸۲) یکی از دست پروردگان سیسیانوف بود که در لشکر پیاده‌نظام مزدوک تحت فرماندهی سرتیپ لازاروف Lazarev در قفقاز خدمت می‌کرد. در سال ۱۷۹۹ آجودان سیسیانوف شد و سپس سرپرستی گروهی از سربازان رادر قره‌باغ به عهده داشت. او سریعاً ارتقاء مقام یافت و در جنگ‌های دوره اول روس و ایران خدمات شایان توجهی به روس‌ها کرد. اوج شهرت وی به دلیل شکست دادن عباس میرزا در اصلاندوز در سال ۱۲۲۷ و تصرف قلعه لنکران در اول ژانویه ۱۸۱۳ بود. او در ۲۹ سالگی به درجه سرلشکری رسید وی به دلیل سه زخم کاری که در تصرف قلعه لنکران از نیروهای ایرانی برداشته بود، بازنشسته شد.

۷- Alexei Petrovich Ermolov در سال ۱۷۷۷ در یک خانواده اشرافی متولد و سپس به ارتش ملحق شد. و در سال ۱۷۲۹ به درجه سروانی رسید. چهار سال بعد به نیروهای زیوف در قفقاز ملحق شد. با مرگ کاترین و به دنبال فراخوانی زیوف از سوی پل اول، به روسیه برگشت. او در جنگ‌های با ناپلئون تحت فرماندهی کوتزوف Kutuzov شرکت کرد سپس به عنوان فرمانده توپخانه در جنگ‌های ۱۸۱۳ و ۱۸۱۴ علیه ناپلئون انتخاب شد. یرمولوف در ۱۸۱۶ فرمانده گرجستان و جمعیت قفقاز شد. و با حکم سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار به ایران آمد. در سال ۱۸۱۹ به فرمانده عالی قفقاز ارتقاء یافت و تا سال ۱۸۲۶ در همین سمت بود. با روی کار آمدن نیکلای اول، گرایش دکابریستی یرمولوف باعث کناره‌گیری اجباری وی از سوی تزار شد.

۸- Peter Nikolaevich Ermolov پتر نیکلایویچ یرمولوف پسر عمومی آلکسی پتروویچ یرمولوف بود.

۹- Mogilevski
۱۰- Valerian Grigorevich Madadov سرلشکر والریچ گریگوریویچ مداداف (۱۷۸۲-۱۸۲۹) از ارمنی‌های قره‌باغ بود. او بعد از ورود به ارتش روسیه در جنگ‌های با ناپلئون شرکت کرد. در سال ۱۸۱۶ به قفقاز منتقل شد و درشکی، شیروان و قره‌باغ

صفحه اول نسخه خطی تاریخ قره‌باغ میرزا جمال سرتیپی.

کیفیت حکومت و استقلال اولین سرحدین پناه خان و ابراهیم خان در ولایت قره‌باغ و بعضی از نقاط متفرقه

صورت مزبور بسم الله الرحمن الرحیم میرزا جمال سرتیپی

صمد سجد و شایسته‌ها و بی‌عدالتی و کار عالمی از اسزده که کلاه سعادت بزرگ
بر سر هر که خواه نهد و از هر که خواهد ستاند در جمیع عزت و دولت و بختیاری محض
از کرم عظیم و لطف فیضیم این صفت در صفت بندگان و بی‌ایستادگی و بی‌توجهی
بعد از آنکه و الشنا برگاه عالی از حق و السماء بر ارباب و شمس خیز نیست که
دستش و بجز در اینجند که وقایع و که ابراشات گذشته و اوضاع و کیفیت هر ولایت
باعث تزیین بصیرت است و موجب کمال منفعت فلهذا بنا بر تاریخ سرحدین
۱۲۶۲ مطابق با سنه ۱۲۶۷ هجری که عالمیاه حضرت کاتب الکبانه بولگولیک و قوزاق
شاه ابراهیم خان قزاق از الاملاص سکار و فز بر قلعه نوسن آمده و با این مجلس محلی و قزاق
فدیر میرزا جمال سرتیپی را فانی که مدت مدید در خدمت و جناب خانیان قزاق صاحبکار
بهم با هم میرزا و وزارت قزاق با هم استیصال داشته و بجز در حکومت ایشان
در جمیع امور

زبان اصلی کتاب یعنی فارسی چاپ نشده است. کپی از نسخه ۱۷x۲۲ سانتی‌متری این کتاب را راقم این سطور در سفری به باکو به ایران آورده و در حال حاضر در دست تصحیح دارد.

پی‌نوشت‌ها

* درباره قره‌باغ‌نامه‌های دیگر همچنین نگاه کنید به: الخان رضا اوغلوقلی‌اف: «نقد و بررسی قره‌باغ‌نامه‌ها»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۵۹-۵۸ (مرداد و شهریور ۱۳۸۱)، ص ۲۱-۲۹.

۱- Khoznak
۲- Umma Khan با کیخانوف او را عم‌خان om Khan و منابع روسی و گرجی او را اومارخان omar Khan پسر نورزال بیگ Nursal Beg حاکم آوار می‌دانند. ادی گوزل بیگ در قره‌باغ‌نامه نام او را Umma Khan پسر Nursal Khan می‌نویسد. او را Ummay Khan نیز گفته‌اند.

۳- sisyanov یک اشراف‌زاده گرجی فوق‌العاده جسور، متکبر و جاه‌طلب بود. چون زمانی بازرگانی روسیه در قفقاز بود و بازرگانی در زبان انگلیسی به معنای inspector می‌باشد به همین دلیل در منابع اولیه قاجار او را «ایشیچنر» گفته‌اند که یک کلمه ترکی به معنای کار کثیف است.

سیسیانوف از مسلمانان و خان‌های آنان متفرق بود و نسبت به

تاریخ قره‌باغ میرزا جمال باید سه نسخه باشد:

۱. نسخه اول که

در فاصله سال‌های

۱۸۴۴-۱۸۲۵ م.

نوشته شده است؛

۲. نسخه دوم که

میرزا جمال به درخواست ورتسلف نوشت؛

۳. نسخه سوم که توسط

کاتبی از روی نسخه دوم

در سال ۱۲۹۴ هـ. ق/ ۱۸۷۷

م. نسخه برداری شده و

هم‌اکنون جزو نسخه‌های

نفیس و نادر انستیتو

نسخ خطی محمد فضولی

نگهداری می‌شود

فکر ب وراثت و دولت عهد سکه های مهدی خان در سن
 ملاقات مرحوم ابراهیم خان با سردار آسیا نوف در کوک پیای مرحوم محمد حسن خان
 در فرزند بزرگ مرحوم ابراهیم خان بعد از کسم وراثت و دولت عهد بنام مرحوم محمد حسن خان
 بعد از پسر همسایه محمد حسن آقا در کسم زدن و کرد و بسردار آسیا نوف بعد از چندی
 بیارال مایور محمد حسن آقا در حال حیات مرحوم ابراهیم خان مرحوم شدند بیارال
 مایور مهدی خان آقا بزرگ فرزند بنام مرحوم ابراهیم خان بعد از زرت و دولت عهد در سن
 با کاغذ محمود با مهر مرحوم ابراهیم خان و سایر اعیان و شتمه های قسطنطنیه در حال
 حیات مرحوم ابراهیم خان بعد از آقا دانه و کسم خان و دولت عهد بنام محمد حسن خان
 و بعد از مرحوم شدن ابراهیم خان بهمان سبب مایور لیسانویچ که خود بیارال مایور روسیه
 زرت بعد از که فرمان از پسران خود مرحوم ابراهیم خان را با ولایت و علم و شمشیر
 بنام مرحوم مهدی خان صادر شده بود که در آن تاریخ منسوب فرمودند در
 سنه ۱۸۵۳ و مقدمات ایام حکومت مرحوم مهدی خان در ذرات ترک که کارگزاران
 در آن عهد زرت از معلم در شریف است حاج میرزا محمد زرتی که در آن
 صورت در آن عهد

خدمت کرد. در آغاز جنگ های دوره دوم روس و ایران، سپاه ایران را در حوالی شمسکور شکست داد.
 ۱۱- Iosif Antonovich Reutt سرلشکر یوسف آنتونویچ روت در سال ۱۷۸۶ متولد شد او در سال ۱۸۰۱ در جنگ با لژی ها و سپس در سال ۱۸۰۴ در محاصره ایروان و همچنین نبرد اچمیادین شرکت کرد. در سال ۱۸۰۵ در جنگ علیه خان شیروان و در سال ۱۸۰۶ در نبرد با خان باکو شرکت کرد. وی در جنگ های دوره دوم روس و ایران به همراه سپاه روسیه از ارس عبور کرد و بعد از خاتمه جنگ های دوره دوم از روسای قفقاز شد. او در سال ۱۸۵۵ در تفلیس درگذشت.

۱۲- Mikhail Semenovich Vorontsov میخائیل سیمونویچ ورتنسف (۱۷۸۵-۱۸۵۶) به دلیل این که پدرش سفیر روسیه در لندن بود در آن شهر بزرگ شد. وی ضمن عضویت در ارتش روسیه، در جنگ های با ناپلئون شرکت داشت. الکساندر اول در سال ۱۸۲۳ او را به عنوان فرماندار کل اکران جنوبی منصوب کرد. موفقیتش در آن پست باعث شد که نیکلای دوم در سی ام ژانویه ۱۸۴۵ او را به مرتبه نایب السلطنه گی با قدرت نامحدود ارتقا داد. در ایام تصدی ده ساله وی بر قفقاز وی به وسیله انتصاب مقامات محلی - که در خصوص منطقه آگاهی داشتند - به اداره سرزمین تصرف شده پرداخت. ورتنسف در بیست و نهم نوامبر ۱۸۵۴ به دلیل مرضی از مقامش استعفا کرد.

۱۳- Adolf Petrovich Berzhe آدولف پتروویچ برزخه متولد شد. او پسر یک اشراف زاده فرانسوی بود که در سال ۱۸۰۵ به روسیه آمده بود. برزه در سال ۱۸۵۱ از دانشگاه پترزبورگ در رشته زبان فارغ التحصیل شد و به نایب السلطنه ورتنسف در تفلیس پیوست و در سال های ۱۸۵۳-۱۸۵۵ به تحقیق درباره ایران و منطقه قفقاز دست زد که نتیجه اش تالیف مقالات متعدد در روزنامه ها و مجلات قفقاز بود. ارزشمندترین کار وی نوشتن دیکشنری فرانسه - فارسی بود. برزه در سال ۱۸۶۴ به سردبیری Akty sobrannye kavkaz skio Arkheo graficheskoiu kommissleiv تا پایان مرگش در سی و یکم ژانویه ۱۸۸۶ در تفلیس، در آن خدمت کرد.

۱۴- آدی گوزل بیگ کتابش را در سال ۱۸۴۵ و میرزا جمال در سال ۱۸۴۷ به ورتنسف تقدیم کرده اند. جهت اطلاع ن. ک به کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۵۹-۵۸، ص ۲۷.

۱۵- N. V. Levyatov کتاب «قراباغ نامه لر» میرزا آدی گوزل بیگ را به زبان روسی ترجمه کرد که به وسیله انتشارات علم کر آکادمیانی نشریاتی در سال ۱۹۵۰ در باکو چاپ شد.

۱۶- Dimitri Tikhonovich Lisanevich سرتیپ دیتمتری تیخانویچ لیسانویچ در سال ۱۷۸۰ متولد و در سن بیست سالگی وارد خدمت در ارتش روسیه در قفقاز شد. بعد از مرگ سبسیانوف، ضمن ارتقا، فرمانده قلعه شوشی شد. در سال ۱۸۰۷ با بازگشت به روسیه در جنگ های ناپلئون شرکت داشت. لیسانویچ مجدداً در سال ۱۸۲۴ به قفقاز بازگشت و یک سال بعد در بیست دوم جولای ۱۸۲۵ به وسیله یک چینی - که لیسانویچ به او توهین کرده بود - به قتل رسید.

۱۷. George A Bournoutian

۱۸. connecticut

۱۹. Ramapo

۲۰. Iona

۲۱. A History of Qarabagh: p. ۵۷

میرزا جمال
در سال ۱۸۵۳ م.
در سن
هشتاد سالگی
در گذشت

۲۲. Ibid: p ۱۰۶
 ۲۳. Ibid: p ۱۳۶
 ۲۴. eshik-aqasis (chamberlains), keshikchis (watchmen) and yasavois (guards). p ۱۳۴.
 ۲۵. A History of Qarabagh: p ۱۳۴.
 ۲۶. زیرنویس های بورتوتیان برای مقدمه کتاب از شماره ۱ تا ۶۶ و برای متن ترجمه شده کتاب میرزا جمال از شماره ۱ تا ۴۶۶ است. به نظر می رسد در صورت یکی شدن زیرنویس های مقدمه و متن ترجمه شده کار برای خوانندگان تسهیل می شد.
 ۲۷. A History of Qarabagh: P ۱۳۹.
 ۲۸. Saru-i.
 ۲۹. Saravi
 ۳۰. Ibid: p ۱۴۰.
 ۳۱. مقاله اینجانب با عنوان «لنکران» در مجله «تحقیقات تالش». سال اول، شماره اول.
 ۳۲. سفر به ارمنستان و ایران: پیرآمده ژوبر، ترجمه محمود مصاحب ص ۲۹۵.
 ۳۳. A History of Qarabagh: p ۹۱-۹۹

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۵۹-۵۸، ص ۲۷